مهدی برزگر شریک اقتصادی حاج محمود کریمی

حاج محمود از آجر نان درمی‌آورد

شاید برخی از مردم تصور می‌کنند مداحان و ذاکران اهل بیت با روضه‌خوانی در مجالس مختلف پول‌های کلانی می‌گیرند. تصوری که حتی از آن به عنوان پاکت پول یاد می‌شود و می‌گویند بعد از پایان مراسم پاکت پول به مداح داده می‌شود. اما هستند مداحان و ذاکرانی که کار اقتصادی می‌کنند و هیچ‌گاه از راه مداحی و روضه‌خوانی امرار معاش نمی‌کنند. آنها خودشان را وقف امام حسین(ع) کرده‌اند و در کنار آن با کار و فعالیت اقتصادی در کنار امرار معاش، دستگیر افراد نیازمند هم می‌شوند. این بخشی از صحبت‌های مهدی برزگر است.

یکی از صاحبان کارخانه آجرسازی در نزدیکی بوئین‌زهرا در استان قزوین. اما شاید خیلی‌ها ندانند که یکی از کسانی که کارخانه آجر را راه انداخت و سال‌هاست در آن‌جا فعالیت می‌کند حاج محمود کریمی است. برزگر با تأکید بر این‌که در این سال‌ها هیچ‌گاه حاج محمود برای راه‌اندازی کارخانه و یا وام بانکی از رانت استفاده نکرده است از تأسیس کارخانه آجر با همکاری حاج محمود و توقیف کارخانه در سال ۹۵ توسط بانک می‌گوید: «سال ۸۲ به‌واسطه هیأت رایةالعباس با حاج محمود کریمی آشنا شدم. از کودکی آرزو داشتم نوکر امام حسین(ع) باشم. کاسب بودم و کار می‌کردم. در هیأت به حاج محمود پیشنهاد کار دادم. گفتم می‌خواهم کارخانه آجر بزنیم. پرسیدند سررشته‌ای از این کار داری؟ گفتم یکی دوسال تحقیق می‌کنم و بعد از آن کار را شروع می‌کنیم. حاج محمود قبول کرد و بعد از یک سال تحقیق در کنار ایشان کار ساخت کارخانه را در نزدیکی بوئین‌زهرا شروع کردیم. ابتدا یک کوره آجرپزی به راه انداختیم. کوره ما سنتی بود و بعد از مدتی متوجه شدیم این روش منسوخ شده است. طی این مدت حاج محمود از نزدیک بر کار نظارت داشتند و گاهی اوقات خودشان آستین بالا می‌زدند و مشغول کار می‌شدند. برخلاف تصور عده‌ای که فکر می‌کنند حاج محمود از راه مداحی و روضه‌خوانی درآمد دارد ایشان نان خود را فقط از همین راه و از همین آجرها درمی‌آورد. برای اینکه شکل کار را از سنتی به صنعتی دربیاوریم نیاز به وام بانکی داشتیم.

متأسفانه بانک با وجود ضمانت‌های معتبری که داده بودیم بخشی از وام را نداد و سال ۹۵ کارخانه را از ما گرفت. سال‌های خیلی بدی بود. بانک‌ها به جان

کارخانه‌ها افتاده بودند و خیلی از کارخانه‌ها تعطیل شدند. با ورود قوه قضائیه به موضوع تعطیلی کارخانه‌ها در تحقیقات قضایی مشخص شد بانک این وام را به ما نداده است. حتی حاج محمود برای ضمانت وام، ماشین زیر پای خودش را فروخت. از ۱۵ آبان سال ۹۲ فاز صنعتی شدن کارخانه آجر را شروع کرده بودیم و شبانه‌روز همراه با حاج محمود کار می‌کردیم. حاج محمود فقط ایام محرم در کارخانه حضور نداشت.

همه چیز خوب پیش می‌رفت تا این که سال ۹۵ کارخانه توسط بانک مصادره شد. به این ترتیب نزدیک به ۱۰۰ کارگر بیکار شدند. بانک امین اموال در کارخانه گذاشت و همه دستگاه‌ها و اموال کارخانه را فروخت. بعد از دو سال وقتی مراجعه کردیم دیدیم همه‌جا را با خاک یکسان کرده‌اند. همه وسایل را برده بودند و حتی یک متر کابل در کارخانه نبود. کارخانه‌ای که با خون دل ساخته بودیم نابود شده بود.

مهدی برزگر در ادامه از راه‌اندازی دوباره کارخانه و نگاه اقتصادی حاج محمود و از طرح آزادسازی ۶۰ زندانی و اشتغال آنها در کارخانه گفت: به حاج محمود پیشنهاد دادم کارخانه را دوباره راه بیندازیم. گفت با این اوضاع مگر می‌شود؟ با همه سختی‌ها و مشکلات دوباره راه انداختیم. ۴ هزار اصله درخت در کارخانه کاشته بودیم و طبق تعهدی که به محیط زیست داده بودیم باید ۵ هزار مترمربع فضای سبز می‌ساختیم. حاج محمود گفت طبق فرمایشات حضرت آقا باید در این فضای سبز درخت بکاریم. درختان چنار و افرا و درختان میوه کاشتیم. چهار اصله درخت میوه کاشته بودیم و با عشق به آنها آب می‌دادیم. ولی متأسفانه تمام درختان را با ریختن آهک و روغن خشک کردند. همه را دوباره کاشتیم. به لطف زحمات حاج محمود و عنایت خدا کارخانه دوباره راه‌اندازی شد و امروز ۹۷ نفر در این کارخانه مشغول کار هستند. زمانی که آقای رئیسی مسئولیت قوه قضائیه را به‌عهده داشتند با مکاتباتی که با دادستانی بوئین‌زهرا داشتیم طرحی دادیم که از زندانی‌های مالی برای کار در کارخانه استفاده کنیم. هر ماشین حمل آجر نیاز به سه کارگر دارد. در برخی کوره‌ها از کارگران اتباع استفاده می‌کنند ولی ما در طرحی که ارائه دادیم ضمانت ۶۰ زندانی مالی را برعهده گرفتیم. این طرح با استقبال مواجه شد. از تبصره ۵ ماده ۳۵ استفاده کردیم تا زندانی‌هایی که به دلیل بدهی ۱۰ تا ۵۰ میلیون تومان در زندان هستند بیایند و مشغول به‌کار شوند. در این طرح زندانی‌های مالی علاوه بر اینکه درآمدی پیدا می‌کنند می‌توانند بدهی‌شان را هم پرداخت کنند. در زندان بوئین‌زهرا دیدیم یکی از زندانی‌ها تکنیسین برق است و به‌خاطر ۶۰ میلیون تومان بدهی در زندان است. با طلبکار صحبت کردیم و گفتیم اجازه بدهد او مشغول کار شود. این مرد دختر دم‌بخت داشت و در زندان نمی‌توانست برای پرداخت بدهی کاری کند. با رضایت طلبکار این تکنیسین در کارخانه مشغول کار شد و علاوه بر پرداخت بدهی برای خودش ماشین خرید. همه اینها لطف امام حسین علیه‌السلام است. برخی تصور می‌کنند حاج محمود سررشته‌ای از کارهای اقتصادی ندارد و فقط در مداحی و روضه‌خوانی تبحر دارد. اما من سال‌هاست که با او کار می‌کنم و ایشان نگاه اقتصادی بسیار خوبی دارند. بارها تصمیماتی گرفته که بعد از مدتی بازخورد خوب آن را دیده‌ایم. متأسفانه تصوری که بقیه نسبت به ایشان دارند درست نیست. مثلاً اگر برای گرفتن وام به بانک برویم وقتی متوجه می‌شوند حاج محمود در این کارخانه فعالیت می‌کند تصور می‌کنند می‌خواهیم از رانت استفاده کنیم درحالی‌که این‌گونه نیست. سال ۸۳ این شرکت را راه‌اندازی کردیم تا بتوانیم در بحث جهیزیه نوعروسان وارد شویم. تصور می‌کنند حاج‌آقا چون روضه‌خوان است در هر مجلسی که می‌رود ۱۰۰ میلیون تومان می‌گیرد ولی این‌گونه نیست. وقتی دنبال برق کارخانه می‌رفتیم مأموران اداره برق می‌گفتند شما لنگ ۱۵ میلیون تومان هستید، حاج‌آقا یک روضه بخواند چند برابر این پول را به او می‌دهند. ما مجبور شدیم زمینی بخریم تا بتوانیم تیرهای برق را به کارخانه برسانیم. حاج محمود هیچ‌وقت برای کارخانه از رانت استفاده نمی‌کند. حتی وقتی برای سهمیه گازوئیل رفتیم گفتند شما چرا لنگ ۴ هزار لیتر گازوئیل هستید بگویید حاج‌آقا با وزیر نفت تماس بگیرد تا برای شما چندین کامیون گازوئیل بفرستند.

وی ادامه داد: متأسفانه برخی تصور می‌کنند مداح امام حسین(ع) از رانت استفاده می‌کند. با این اوضاع و احوال کار را پیش می‌بریم و جالب اینکه کسی باور نمی‌کند حاج محمود در کارخانه آجر کار می‌کند. شبانه‌روز به فکر کارخانه و کارگران است و هیچ‌وقت هم از ارتباطاتش استفاده نمی‌کند. سال ۹۱ یکی از کارگران ما که از اتباع بودند در میدان آزادی مأموران به او مشکوک می‌شوند و مدارکش را می‌گیرند. در ساک او یکی از سی‌دی‌های مداحی حاج محمود را پیدا می‌کنند. حاج محمود معمولاً وقتی کارخانه می‌آمدند سی‌دی‌های هیأت را به کارگران می‌دادند. آن کارگر عکس حاج محمود را نشان می‌دهد و می‌گوید من کارگر این آقا هستم مأموران باور نمی‌کنند. کارگر ما شماره تماس حاج محمود را می‌گیرد و گوشی را به مأموران می‌دهد. آنها بعد از شنیدن صدای حاج محمود بازهم باور نمی‌کردند این مرد کارگر کارخانه آجرسازی است که من و حاج محمود آنجا را اداره می‌کنیم.

> متأسفانه برخی تصور می‌کنند مداح امام حسین(ع) از رانت استفاده می‌کند. با این اوضاع و احوال کار را پیش می‌بریم و جالب اینکه کسی باور نمی‌کند حاج محمود در کارخانه آجر کار می‌کند. شبانه‌روز به فکر کارخانه و کارگران است و هیچ‌وقت هم از ارتباطاتش استفاده نمی‌کند